

انسل

ماهنامه تخصصی هنر عکاسی
سال اول شماره هفتم شهریور ماه ۱۴۰۲



Anselmagazine



23 06 2023 01 07

مطالب این شماره

۲ سانسور عکس به سبک طالبان

۳ آغاز سخن ، روز جهانی عکاسی

۴ مریم زندی - عکس روی جلد از مجموعه چهره ها

۵ عکاسان معاصر - تام انگ: عکاس و مؤلف کتاب های عکاسی

کارگاه آینده عکاسی حرفه ای، آموزه هایی از تام انگ ۱۰ بخش تصویرگری - رهایی ۲۰

گزارش تصویری اختصاصی انسل - خانه اپرا و جزیره فرهنگی شهر هاربین ۲۱

۲۶ کلیسای جامع صوفیای مقدس در شهر هاربین

۲۷ گفتگوی اختصاصی ماهنامه انسل با یک عکاس - شاو چن، عکاس پرتره در محوطه خانه اپرای هاربین

ظهور یک فلسفه و نگرش ذهنی درون عکس هایی که با گوشی موبایل گرفته می شود ۳۰

داستان - ماجراهای زندگی پر رمز و راز گربه های خیابانی دبی (قسمت ۵) ۳۲

آنچه باید هنگام نقد نویسی برای عکس بدانیم! ۳۵

نقش و اهمیت پشت زمینه در عکاسی ۳۶

تصویر - دختر جوان چینی در دوره رواج تریاک در این کشور ۳۷

مرور عکس های قدیمی - شمال و شرق چین در اوایل قرن بیستم در اشغال روس ها و ژاپنی ها ۳۸

عکس ویژه ماه ۴۳ فراخوان ارسال آثار ۴۴ اشتراک ماهنامه ۴۵

www.anselmagazine.com

سردبیر: رضا تجویدی با تشکر از هنرمندان گرامی: جمال رحمتی، بهزاد دورانی، مریم زندی، عباس عربزاده

طراحی جلد: حبیب کاووسی عکس روی جلد: مریم زندی / استاد محمدرضا شجریان

عکس پشت جلد: رضا تجویدی / پرتره پیرزن روستایی در خواب

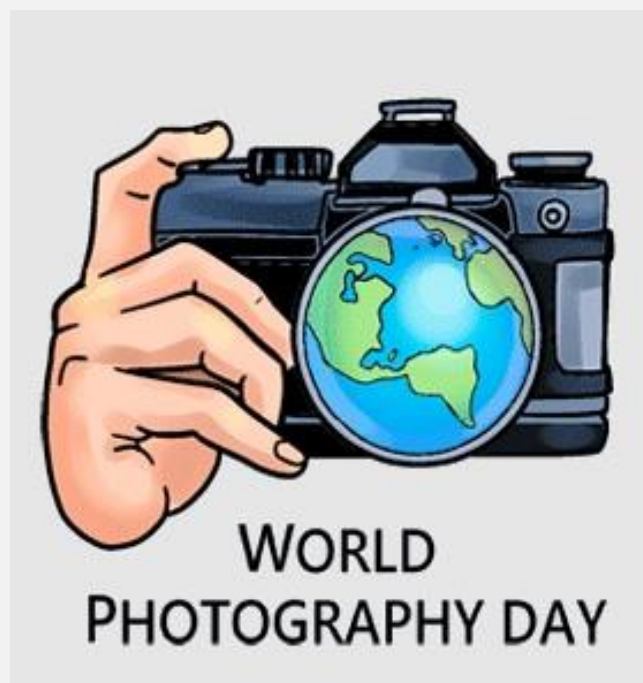
همکاران این شماره: تام انگ، مریم زندی، سونا خوشخبری، حبیب کاووسی، بشایر عارف، ژنچی ونگ

تماس با ما: @anselmagazine / info@anselmagazine.com

هرگونه استفاده از محتوا و مطالب این نشریه بدون کسب اجازه و ذکر منبع ممنوع است.



سانسور عکس و تعطیلی آرایشگاه های زنانه در افغانستان توسط طالبان



آغاز سخن

روز جهانی عکاسی، که هر ساله در نوزدهم ماه آگوست (۲۸ مرداد) جشن گرفته می شود، در اصل معادل همان روزی است که در سال ۱۸۳۹ میلادی، برای اولین بار روش داگروتایپ برای عکاسی، در اختیار عموم قرار گرفت. تا پیش از آن، اتاق تاریک و تصویر وارونه که از روزنه به درون آن تابیده می شد، تنها ابزاری برای نقاش ها بود تا پیش نمایشی از آنچه قرار است طراحی و نقاشی کنند را ببینند، تا اینکه لوئی داگر، هنرمند و نقاش فرانسوی که امروزه به مخترع عکاسی و نخستین عکاس جهان مشهور است، با روش ابداعی خود که داگروتایپ نام گرفت، توانست تصویر تابیده شده در اتاق تاریک را به صورت عکس، تثبیت و ماندگار کند.

هر چند که فرانسوی ها، مخترع فن عکاسی بودند، ولی از همان ابتدا و در همان قرن نوزدهم میلادی، این عکاس های آمریکایی بودند که در نظریه پردازی هنری برای عکاسی پیش قدم شدند و جنبش هایی عمیق و تاثیرگذاری همچون پیکتوریالیسم، عکاسی صریح، گروه اف-۶۴ و ... را به راه انداختند و در نهایت عکاسی را به عنوان هنری مستقل به جایگاه امروزی خود رساندند.

در یک نگاه ساده، عکاسی، کار کردن با دوربین است. گاه دوربین ها در حد ابزار جانبی یک تلفن همراه و یا یک دوربین فشرده و تمام اتوماتیک، ساده و فراگیر شده اند و گاه، برای خود، ساز و کاری مفصل و پیچیده دارند که عکس گرفتن با آنها کار هر کسی نمی تواند باشد، ولی نباید این مساله مهم را از یاد برد که هنر عکاسی، اصلا و ابدا، تنها دوربین به دست گرفتن و عکس برداشتن نیست. از همین رو هست که هر چه دوربین ها، اتوماتیک تر و بی مداخله تر هستند، عکسی که می گیرند هر چند از نظر نورسنجی میزان هستند ولی فاقد حس و حال و المان های ناب هنری می شوند. عکاسی، هنر بازی کردن با نور و سایه و تاریکی است. پس گاه یک عکاس با تعمد، دوربین را وادار به گرفتن عکسی می کند که نورسنج خودکارش، آن را خطا می پندارد. عکاسی هنر دمیدن احساس به درون تصویر است، قطعا این احساس، تنها با فشردن دکمه شاتر دوربین ظهور پیدا نمی کند، بلکه این چشمان و نگاه عکاس است که آن را خلق می کند. عکاسی هنر بیان مفهوم است، مفاهیم از منبع جهان بینی، نگرش و طرز فکر، دیده ها، خواننده ها و اندیشه کردن های انسانی منشاء می گیرند و اینگونه ساخته می شوند.... همین جا است که نقش مداخله گر انسان در عکاسی، پررنگ می شود و نقش دوربین تا سطح یک ابزار کار، تقلیل پیدا می کند.

رضا تجویدی، برای شماره هفتم، شهریور ۱۴۰۲

مریم زندی



مریم زندی متولد سال ۱۳۲۵ خورشیدی در شهر گرگان است. او علاوه بر اینکه یکی از برجسته ترین عکاسان ایرانی محسوب می شود، نخستین عکاس زن حرفه ای در ایران نیز هست. زندی، در ابتدا، در رشته حقوق سیاسی در دانشگاه تهران تحصیل کرد، ولی پس از آن، داشتن یک دوربین عکاسی و موفقیتش در اخذ جایزه عکس برتر از وزارت فرهنگ و هنر، او را برای عکاسی کردن تشویق و به سمت این حرفه سوق داد.

استخدام او در تلویزیون ملی ایران و فعالیتش به عنوان عکاس در این رسانه، فصلی جدید در باب هنر عکاسی برای او شد. او در این جایگاه شغلی، فرصتی یافت تا تکنیک های مختلف عکاسی را آموخته و اشتغالش به پروژه های کاری، چون ممارستی مستمر او را به عکاسی حرفه ای بدل نمود. کار به عنوان عکاس روابط عمومی

تلویزیون و نیز مجله تماشا که زیر نظر همان سازمان منتشر می شد، فعالیت های او در زمینه عکاسی در سالهایی بود که کمتر زنی در ایران به عنوان عکاس حرفه ای، وجود داشت.

با شروع انقلاب در ایران و اوج حوادث آن در سال ۵۷، مریم زندی به عکاسی و مستند سازی این حوادث روی آورد که امروز این آثار از ماندگارترین لحظات ثبت شده از وقایع تاریخ معاصر ایران به شمار می آیند. سالها پس از آن، او منتخبی از این مجموعه عکس را در کتابی با عنوان "انقلاب پنجاه و هفت" توسط نشر نظر، به چاپ رسانید. او خود درباره آثار منتشر شده در این کتاب می گوید که هنگام مشغولیت به عکاسی در آن سالهای پر التهاب، نه با هدف ثبت وقایع تاریخی، بلکه برای حضور در بطن حوادث جاری به عنوان یک عکاس و ادامه همان دل مشغولی خود به عکاسی، که حالا به دلیل اعتصاب و تعطیلی کارش در تلویزیون ملی، جنبه شخصی پیدا کرده بود، آن را انجام داده است.

بعد از پیروزی انقلاب در ایران و گردش فضای کشور به سمت و سوی نوعی ایدئولوژی مذهبی، حضور او در میان جمع زنان معترض به حجاب اجباری در سالهای اول بعد از انقلاب و عکاسی از تجمع اعتراضی آنها، زمینه اخراج او را از تلویزیون ایران فراهم ساخت. پس از آن بود که او بصورت شخصی به فعالیت های عکاسی خود پرداخت و یکی از ماندگار ترین پروژه های عکاسی ایران، یعنی مجموعه عکس چهره ها را به ثمر رساند.

پروژه چهره ها در چند جلد کتاب تهیه و منتشر شد که هر جلد به بخشی از مشاهیر ایران در حوزه های مختلف: ادبی، هنری، سینمایی و سیاسی با فرمی منحصر به فرد پرداخته و از سوی بسیاری از منتقدان هنری، مورد تحسین واقع شده است. از آن جمله، کاوه گلستان است که جلد سوم این مجموعه کتاب را که به چهره های سینمایی ایران اختصاص دارد، یکی از بهترین کارهای مریم زندی خوانده و عباس کیارستمی، بر دیباچه این کتاب به قلم خود، متنی نگاشته است.

با این وجود، مریم زندی در باب هنر پرتره نگاری معتقد است که هیچوقت یک پرتره نمی تواند معرف همه جنبه های مختلف شخصیت یک فرد باشد.

او جزو موسسین انجمن ملی عکاسان ایران و اولین رئیس هیئت مدیره این انجمن است. هر چند که پس از مدتی به دلیل فاصله گرفتن این انجمن از اهداف اولیه خود از جمله عدم تداوم استقلال رای، از آن بطور کامل فاصله گرفته است. همچنین او از پذیرش جایزه افتخاری نشان درجه یک هنر ایران، که قرار بود از طرف دولت به او اعطا شود، به احترام هنرمندان معترض در بند، امتناع کرد.



عکاسان معاصر

تام انگ

مؤلف پرتیراژترین کتاب های راهنمای عکاسی

تام انگ، عکاس، مولف کتاب هایی که جزو پرفروش ترین ها در سطح جهان هستند، مدرس و مشاور حرفه ای هنری، تقدیر شده و مفتخر به کسب برترین مقام به عنوان خالق محتوا برای عکاسی در موسسه هیپا در سال ۲۰۱۹ میلادی است. او یکی از اعضای

موسس آکادمی عکاسی جهانی است و در موسسات بسیار معتبر بین المللی در زمینه عکاسی، صاحب کرسی و جایگاه رسمی می باشد. داوری عکس یکی از فعالیت های همیشگی او بوده و در مسابقات عکاسی "چک پرس"، مسابقه عکاسی سونی، مسابقه "وایلد لایف فتوگرافی" و مسابقه عکس هیپا، سابقه داوری دارد.

او زاده کشور سنگاپور، تحصیل کرده انگلستان و هم اکنون، مقیم و شهروند کشور نیوزلند است.

تام انگ را شاید بتوان هنرمندی برجسته در شاخه عکاسی سفر و نیز تولید کننده محتوا برای عکاسی دیجیتال دانست. از او تا کنون بیش از ۴۰ جلد کتاب منتشر شده است؛ از جمله "راهنمای تاریخ حتمی بصری" که بعد از هفت بار تجدید چاپ، با بیش از یک میلیون نسخه فروش، رکورد پرفروش ترین کتاب راهنمای عکاسی دیجیتال را، از آن خود کرده و به بیست زبان مختلف ترجمه شده است. همچنین می توان به کتاب های "مستر کلاس عکاسی دیجیتال"، "چطور از همه چیز عکاسی کنیم؟" و "اصول و مبانی عکاسی" اشاره کرد.

"سفرهای مارکوپولو"، یکی از معروف ترین پروژه های عکاسی تام انگ است که شامل مجموعه عکسی، حاصل سفر جاده ای او از اروپا تا چین، از مسیر آسیای میانه در سال ۱۹۸۸ میلادی است. این مجموعه در کتابی با همین عنوان "سفرهای مارکوپولو" به چاپ رسید و در گالری عکس "زمانا"، در شهر لندن، به نمایش در آمدند.

تام انگ غیر از انتشار کتاب، چند سرسال تلویزیونی از جمله، دو سریال شش قسمتی خلاقانه با عنوان های، "یک عکس دیجیتال از بریتانیا" و "تصویرهایی از بریتانیا"، برای شبکه چهارم رسانه بی بی سی و نیز یک سریال هشت قسمتی با عنوان "سنگاپور شهر منظره ها" برای شبکه آسیا نیوز، تولید کرده است.

سردبیری مجله های کمرا مگزین و فتوگرافی مگزین، سردبیری عکس در مجله ساندی کارسپوندنت، و همکاری با ده ها مجله دیگر که در زمینه عکاسی منتشر می شوند، از جمله سابقه فعالیت های حرفه ای او است. همچنین تام انگ به مدت ۱۲ سال در دانشگاه "وست وینستر" در لندن به عنوان استاد ارشد رشته عکاسی و خبرنگاری در مفاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، تدریس کرده است.

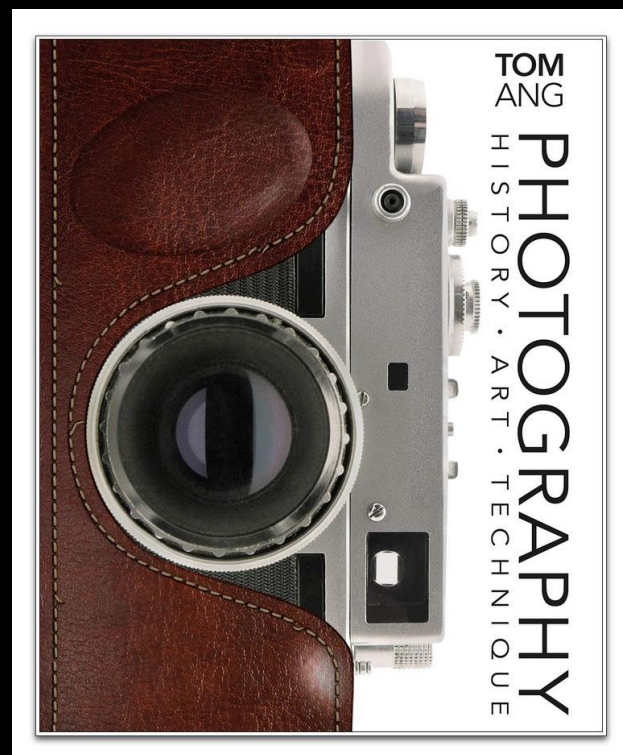
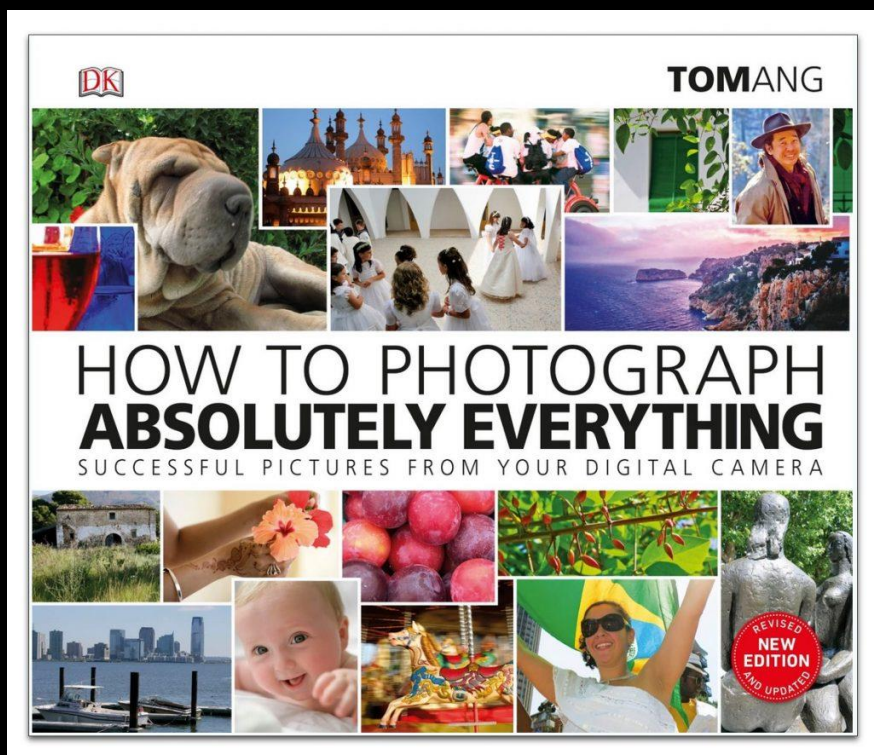
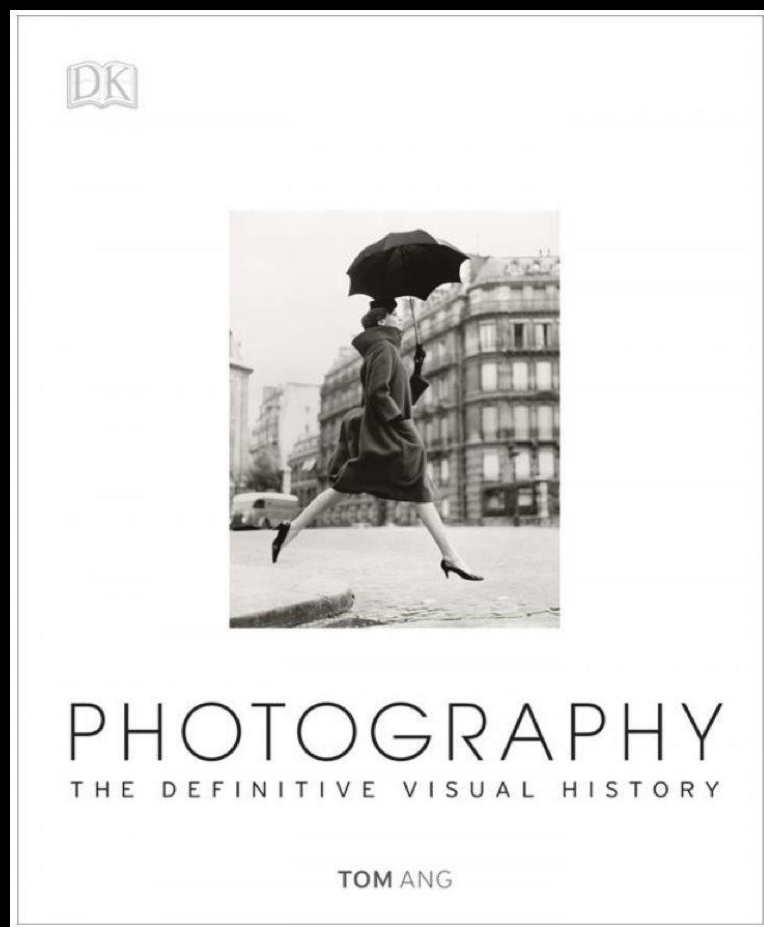
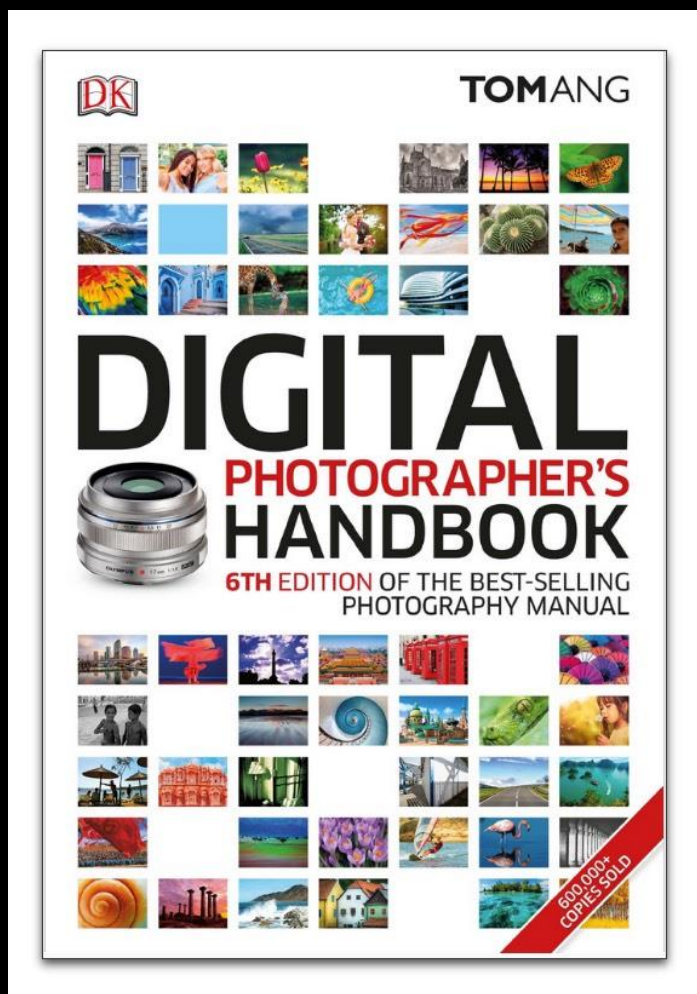
تام انگ در جایگاه همکاری های بین المللی، بنیان گذار سیستم آموزشی نوین عکاسی و خبرنگاری در کشور قرقیزستان نیز هست.



Emma at Mossman Gorge, Sony A1 50mm/1.4 ZA, Tom Ang







کارگاه آینده عکاسی حرفه ای – آموزه هایی از تام انگ

بررسی وضعیت فعلی:

وقتی من (تام انگ) در سال ۱۹۸۸ عکاسی را شروع کردم، کیفیت 1.8 مگا پیکسل برای عکس، کیفیتی شگفت انگیز بود و مدتی بعد که دوربین ۶ مگا پیکسلی به بازار آمد، قیمتی معادل ۲۵ هزار یورو داشت؛ ولی امروزه حتی کیفیت ۴۰ مگا پیکسلی هم با قیمتی معقول در دسترس همگان قرار دارد، علاوه بر آن، دوربین های تلفن های همراه هم، امروزه کیفیتی بیش از ۲۰ مگا پیکسل را ارائه می دهند، در نتیجه:

- در سال ۲۰۲۳ بیش از ۳۰۰ میلیون نفر در سرتاسر جهان بصورت حرفه ای یا آماتوری و از روی علاقه مندی، در حال عکاسی هستند.
- در هر سال بیش از ۲ تریلیون عکس در سرتاسر جهان تولید می شود.
- بانک داده تصویری در پلتفرم شرکت ادابی در سال ۲۰۱۰ حدود ۱۰ میلیون عکس بود ولی تنها در مدت ۸ سال بعدش، این تعداد با روندی خیلی شتابان، به بیش از ۶۰ میلیون رسید.
- روزانه بیش از ۵۰ هزار عکس جدید به پلتفرم های آنلاین ذخیره فایل های رسانه ای اضافه می شود.
- در سایت گتی ایمیجز در سال ۲۰۱۸، بیش از ۱۰۰ هزار عکاس، در حال اشتراک گذاری عکس بوده اند و پس از آن هم روزانه به این آمار اضافه شده است.
- در سایت فلیکر تا سال ۲۰۱۸، بیش از ۱۰ میلیون عکس بارگذاری شده بود.

این آمار به خوبی نشان می دهد که نرخ تولید عکس بطور چشمگیری به نسبت نرخ مصرف آن، فزون تر است.

امروزه دیگر هیچ نقطه ای روی کره زمین وجود ندارد که عکسی در آنجا گرفته نشده باشد. حتی در قلب بیابان ها و مناطق صعب العبور.



تاثیرها در صنعت عکاسی

هر چقدر که تغییرات در حوزه عکاسی سریعتر رخ داده است، تاثیر این تغییرات در این حرفه چشمگیرتر بوده. برای مثال تغییر دوربین های آنالوگ به دیجیتال، تبدیل اتاق تاریک و ظهور سنتی عکس به نرم افزار، دوربین های عکاسی فشرده (کمپکت) که توسط دوربین های موبایل به سمت انقراض رفته اند، امکان عکاسی هوایی با درون، که نیاز به عکاسی پر هزینه با هلیکوپتر را از میان برداشته است و نیز گستردگی و سرعت توزیع و پخش تصویر توسط سرویس های آنلاین، تنوع خروجی عکس از طریق قابلیت های نرم افزاری و ...



تعدادی از سردبیران عکس در اروپا در حال مرور عکس در وقت استراحت میان جلسه کاری

شانس های بزرگ برای عکاس های زرنگ

تغییرات سریع در حوزه عکاسی یعنی:

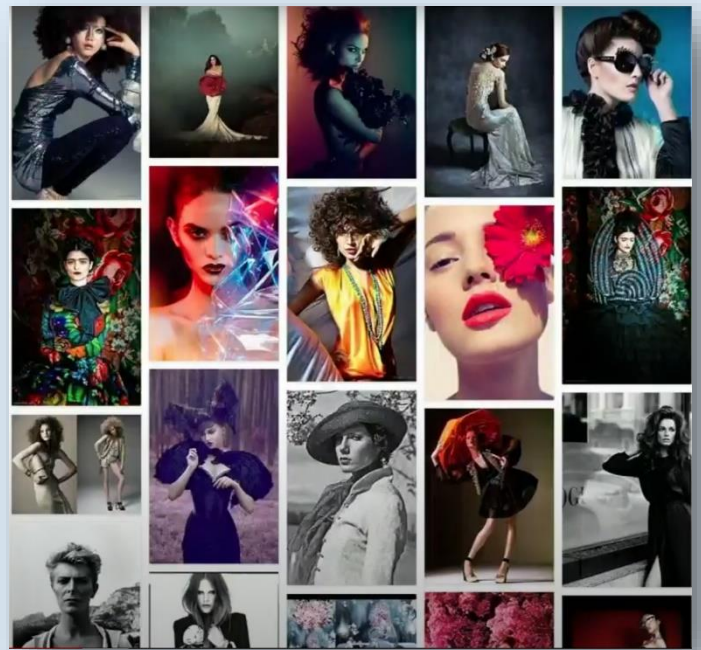
- ایجاد تنوع گسترده تر در حرفه عکاسی
- ایجاد حوزه های کاری تخصصی تر (برای مثال عکاسی اختصاصی درون (عکس هوایی) برای املاک، عکاسی تایم لمپس و ...)
- ایجاد فرصت های نو و گسترده تر
- عکاس های موفق، از فرصت های جدید پیش از آنکه دیر شود، استفاده می کنند.
- عکاس های موفق، راهی جز توسعه دائمی کار خود ندارند وگرنه به آخر خط می رسند.
- عکاس های موفق، مدام در حال آموختن چیزهای جدید هستند، وگرنه می دانند که بازنده می شوند.

تقسیم بندی ها در حرفه عکاسی:

- عکاسی تخصصی: برای مثال عکاسی در مهندسی، در تحقیقات علمی، عکاس جنایی، عکاسی نظامی، عکاس موزه ها
- عکاسی تجاری: در صنایع، شرکت ها، تهیه گزارش و خبرنگاری و کار برای وب سایت ها
- عکاسی اجتماعی: عکاسی از رویدادها، عکاسی عروسی، عکاسی از مسابقات ورزشی، عکاسی به درخواست مدارس
- ویرایشگری: روتوش عکس، ادیت عکس، متخصص توزیع و تحلیل داده ها
- مدیر عکس: مدیریت یک موسسه عکاسی، مشاور یک موسسه عکاسی
- عرضه کننده عکس: گالری گردانی، راه اندازی مسابقات عکاسی، موسسه تولید و عرضه عکس
- کارهای جانبی مرتبط با عکاسی: نویسندگی برای عکس، خبرنگاری، فروشندگی، بازاریابی

بخاطر داشته باشید:

- بهترین عکاس ها، لزوماً آنهایی نیستند که بیشترین درآمد را از راه عکاسی دارند. شاید آنها در اصل، بهترین تاجر میان سایر عکاس ها یا دارای شم ذاتی اقتصادی خیلی خوبی هستند.
- موقعیت و جایگاهی که در عکاسی با سعی و تلاش حاصل شده با ارزش تر و ماندگارتر از موقعیت و جایگاهی است که با رابطه بازی به دست آمده است.

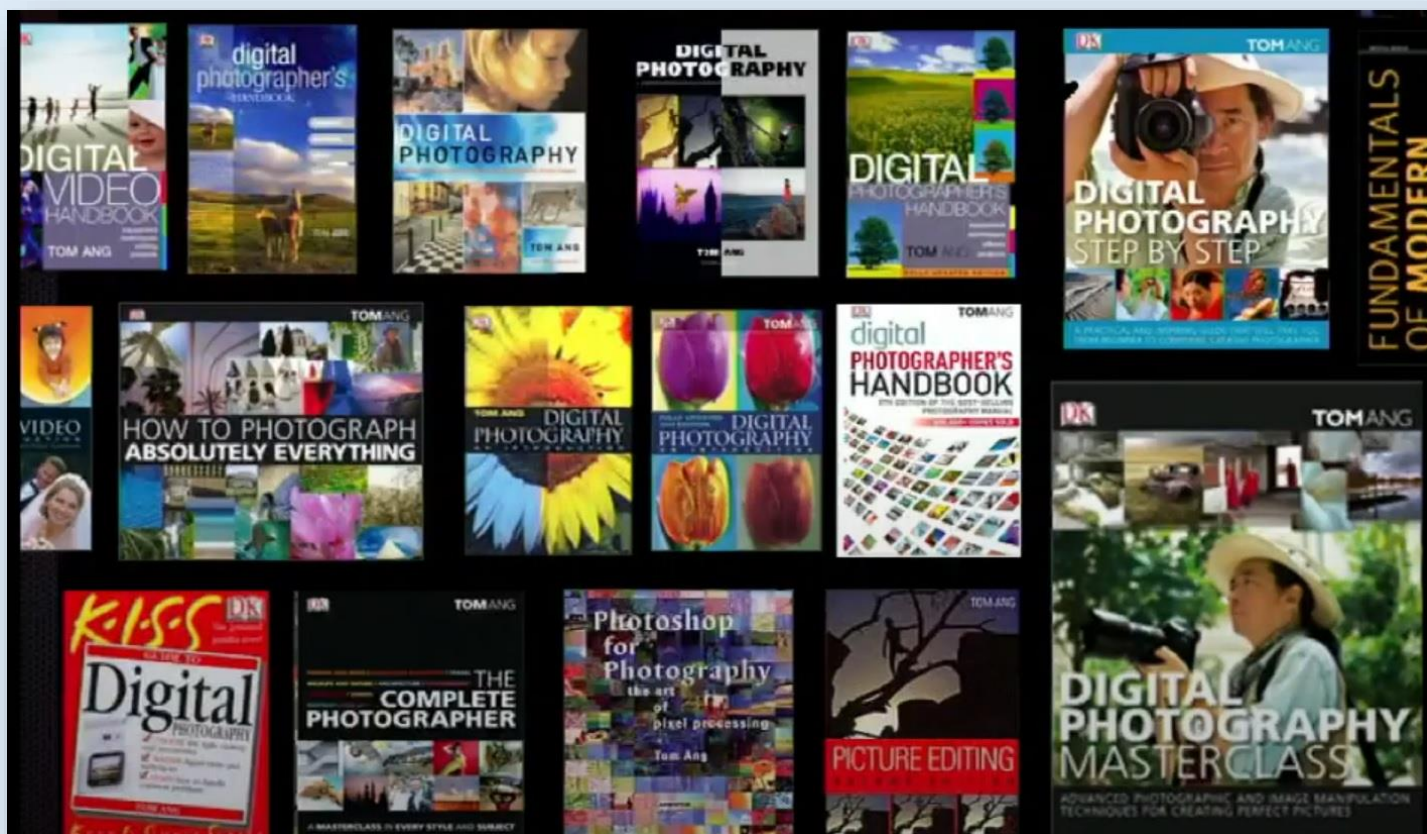


درآمد مستقیم / درآمد غیر مستقیم

تفاوت اصلی میان این دو نوع درآمد در چیست؟

درآمد مستقیم در عکاسی به معنی آن است که تنها زمانی کسب درآمد می شود که عکاسی صورت می پذیرد. مانند عکاسی پرتره، عکاسی عروسی و ...

درآمد غیر مستقیم در حرفه عکاسی به معنی آن است که بدون نیاز به آنکه عکاسی شود، درآمد از عکس حاصل می شود. مانند درخواست چاپ مجدد عکسی که قبلاً گرفته شده، فروش عکس در سایت های استوک، آژانس های توزیع عکس، فروش نمایشگاهی عکس و ...



- امروزه به دو دلیل، یکی حجم زیاد عکس هایی که به رایگان به اشتراک گذاشته شده است و دیگری، رقابت فشرده میان عکاسان، با وضعیتی روبرو شده ایم که قیمت فروش هر عکس در سایت های استوک اینترنتی، تنها برابر با ۱٪ ارزش آن عکس است. در این رقابت، تنها عکاسی منتفع می شود که عکس خود را با قیمت ناچیز ولی با تیراژ بالا می تواند بفروشد.
- بازگشت سرمایه و انتفاع از طریق فروش کتاب، بسیار زمان بر و طولانی مدت است، علاوه بر اینکه فرآیند چاپ و انتشار کتاب بسیار مشکل و کند است.
- کتاب الکترونیک دارای فرآیند سریعتری در انتشار است، ولی هر نسخه آن به قیمت بسیار کمی به فروش می رسد.
- فروش آنلاین عکس بسیار رقابتی است و نرخ هر عکس بسیار اندک تعیین می شود.
- برای فروش نمایشگاهی عکس و یا عرضه آن در گالری های هنری، رقابت بسیار زیاد و تعداد بازدید کننده و مشتری به نسبت پلتفرم های آنلاین، بسیار کمتر است.

آماتورها و حرفه ای ها

آماتورها عکاسی می کنند تا دیگران از دیدن عکس های آنها لذت ببرند. آنها به دنبال برنده شدن در مسابقات عکاسی هستند و یا می خواهند به نوعی عکس آنها مورد توجه دیگران قرار بگیرد.

حرفه ای ها با این هدف عکاسی می کنند که مشتری از کار آنها رضایت داشته باشد. آنها برای یک گالری هنری مجموعه عکس تهیه می کنند و یا اهداف بازار فروش عکس را پیگیری می کنند.

با این وجود مرزی مشخص و یا تفاوتی اساسی، میان عکاس آماتور و عکاس حرفه ای وجود ندارد.

عکاس حرفه ای به دنبال راهی برای راضی نمودن مشتری از نتیجه کارش است.



عکاس آماتور مشتاقانه و برای علاقه اش عکاسی می کند، وقتی حسش را داشت عکس می گیرد و وقتی نداشت، کار نمی کند. او معمولا در گرما یا سرمای شدید و یا وقتی که شرایط باب میلش نیست، عکاسی نمی کند، همچنین از سوژه ای عکس می گیرد که از آن خوشش بیاید. ولی عکاس حرفه ای، وقتی عکاسی می کند که از او خواسته شده است، بنابراین در هر شرایطی آن را انجام می دهد و روی هر سوژه ای، چه از آن خوشش بیاید و چه نه، کار می کند.

چگونه یک حرفه عکاسی را راه اندازی کنیم:

آیا فکر می کنید که برای راه اندازی یک حرفه جدید مرتبط با عکاسی نیاز به سرمایه فراوان، تجهیزات و امکانات، برنامه ریزی، دوربین خوب، کامپیوتر، مانیتور و نرم افزار مناسب و ... است؟ باید بگوییم خیر. بلکه برخلاف تصور، مهمترین داشته برای این کار، اعتماد به نفس کافی و توانایی لازم برای انجام کار است. اگر یکی از این دو نباشد، قطعاً باید دست نگه داشت و ابتدا به دنبال آن رفت. امروزه، تهیه یک دوربین پیشرفته و خرید تجهیزات و امکانات عکاسی، به راحتی برای همه ممکن است، ولی چیزی که می تواند شما را در حرفه عکاسی، متمایز و موفق کند، توانایی ها و قابلیت هایتان برای انجام این کار است.



موارد دیگری که برای موفقیت در حرفه عکاسی لازم هستند، عبارتند از:

- ایجاد شبکه ای برای تماس با مشتری ها
- داشتن یک پورتفولیو خوب، چه فیزیکی بصورت چاپی و چه مجازی همچون وب سایت
- داشتن تجهیزات لازم مانند دوربین و لوازم جانبی مناسب کار

یک فرمول موثر برای تعیین نرخ خدمات عکاسی برای حرفه ای ها:

قدم یکم: بسته به اینکه در کدام کشور، شهر و منطقه زندگی می کنید، هزینه های اصلی زندگی را، اعم از خورد و خوراک، پوشاک، ایاب و ذهاب، مخابرات، اجاره بها و ... برای مدت یک سال محاسبه نمایید.

قدم دوم: بطور تخمینی، تعداد روزی که در یک سال می توانید کار کنید را تعیین نمایید.

قدم سوم: هزینه سالانه زندگی تقسیم بر تعداد روزی که در یک سال ممکن است کار کنید = حداقل قیمت خدمات شما برای یک روز کار

برای مثال شخصی را در نظر بگیرید که بسته به محل زندگی و شرایطی که دارد، سالانه ۵۵ هزار دلار مخارج زندگیش است، او بطور احتمالی ۲۰۰ روز در سال می تواند عکاسی کند. بنابراین: ۲۷۵ دلار در روز = $\frac{55000}{200}$ دلار. یعنی او باید نرخ خدمات عکاسی خودش را برای هر روز، حداقل ۲۷۵ دلار تعیین کند.

استراتژی های کلیدی در حرفه عکاسی:

- در این کار با کسی همکار و شریک شوید که واقعا از او شناخت کافی دارید و می توانید به او اعتماد کنید. (لزوما کسی که فقط پول زیاد دارد، نمی تواند بهترین گزینه برای شراکت در کار شما هم باشد).
- بهترین درآمد در حرفه عکاسی آن است که از تکرار کار به دست می آید.
- همیشه همه توافقات و جزئیات کار را مستند سازی کنید، تا بعد با مشکلات کمتری برخورد کنید.
- مدام کار خود را به روز رسانی کنید و از ژست ها و سبک های تکراری پرهیز کنید.
- همیشه در هنگام کار، مؤدب، مورد اعتماد و صادق باشید.
- سعی نکنید خودتان را بیش از آنچه هستید، نشان دهید.
- فریب پیشنهاد های کاری اغواگرانه را نخورید.

چطور خود را بهتر نمایش دهیم.

- وقتی در حال تهیه پورتفولیو هستید، خودتان را جای مشتری بگذارید.
- برای هر کار بخصوصی، پورتفولیوی مجزا و متناسب آن را تهیه کنید.
- گستره کاری و انطباق پذیری خود را به مشتری نشان دهید.
- درباره آنچه دوست ندارید و یا دلتان نمی خواهد از آن عکاسی کنید، صحبتی به میان نیاورید.
- اگر احساس کردید پورتفولیو ایرادی دارد، حتما آن را عوض کنید.



یک پورتفولیوی بد

- با وجود زیبایی ولی موضوع مشخصی ندارد.
- خیلی استوار و محکم نیست.
- سبک منحصر به فرد و مشخصی ندارد و فاقد هویت است.

یک پورتفولیوی خوب:

- در موضوع و انتقال حس قوی است.
- امضاء شخصی هنرمند در آن قابل مشاهده است.
- خیلی صریح همه مفاهیم را برملا نمی کند.
- زیادی تجاری محور نیست.



درباره گالری های هنری:

- بخاطر داشته باشید که گالری ها تجارت محور هستند و هدف اصلی نمایش آثار برای آنها، کسب درآمد است.
- گالری ها به دنبال آثاری هستند که منطبق با شبکه مشتریانشان هستند. برای مثال ممکن است یک گالری فقط روی فاین آرت تمرکز داشته باشد و آثار در ژانرهای دیگر را نپذیرد.
- گالری ها، فرصت و مکان خوبی برای ارتباط پیدا کردن مستقیم هنرمند ها و مشتری ها با هم هستند.
- برگزاری نمایشگاه هنری، کاری بسیار پرهزینه و گران قیمت است.



- برگزاری نمایشگاه برای هنرمند، بسیار طاقت فرسا و پراسترس است.
- بازگشت سرمایه از طریق برگزاری نمایشگاه عکس بسیار کند و طولانی مدت است، یا این وجود، برای بعضی ژانرهای عکاسی، مانند فاین آرت، بهترین راه عرضه آثار، همان نمایشگاه است.



مسابقات عکاسی:

- برنده شدن در مسابقات عکاسی سبب می شود تا درهای جدیدی برای عکاس باز شود، پورفولیو او مورد توجه بیشتری قرار بگیرد و شانس بیشتری برای دیده شدن او میان میلیون ها عکاس دیگر پدید آید.
- معمولا سردبیران، گالری دارها و واسطه های هنری به عکس های برنده در مسابقات توجه بیشتری می کنند.
- بطور متوسط از میان هر ۱۷۷۰۰۰ عکاس، فقط ۵ نفر می توانند شانس آن را داشته باشند که برنده مسابقه شوند و این شانس بسیار بزرگی است.
- برای همه عکاسان بسته به شرایط هر مسابقه و تیم داروی و سلیقه و طرز نگاه آنها به عکس ها، شانس برنده شدن در مسابقه وجود دارد به جز آنهایی که شرکت نمی کنند.

همیشه از عکس های خود، ذخیره پشتیبانی چندباره تهیه کنید، چون این عکس ها میراث شما هستند و در صورت از بین رفتن، تهیه دوباره آنها اصلا آسان نیست.

آنچه در انتظار حرفه ای ها است:

این واقعیتی تلخ است ولی بخاطر داشته باشید که کسی مشوق شما برای موفقیت در این راه نخواهد بود به جز خودتان. اگر نیازهای موفق شدن را درست تشخیص دهید و آنها را برآورده کنید، قطعاً موفق خواهید شد.



آموزه هایی از کارگاه عکاسی توسط تام انگ

تهیه و تنظیم: رضا تجویدی

@Tomangphoto

بخش تصویرگری



«رهایی اثری از سونا خوشخبری». او نقاش، انیماتور و تصویرگر کتاب کودک، تحصیلکرده رشته هنرهای تجسمی و هم اکنون مدرس نقاشی برای کودکان است.

گزارش تصویری اختصاصی ماهنامه انسل

خانه اپرا و جزیره فرهنگی شهر هاربین

رضا تجویدی



در سال ۲۰۱۰ میلادی، مدیریت فرهنگی و هنری شهر هاربین در شمال شرقی کشور چین، برای اجرای یک ابر پروژه شهری با عنوان جزیره فرهنگی هاربین، مسابقه ای برگزار کرد و از تمام معماران در سطح جهان خواست تا طرح پیشنهادی خود را مطابق با مختصات و نیازهای ارائه شده، در این مسابقه شرکت دهند. در نهایت طرح آدام مورک، معمار دانمارکی برنده این مسابقه شد و اجرا و ساخت این پروژه تا سال ۲۰۱۵ به مدت ۵ سال به طول انجامید.

آدام مورک برای طراحی این بنای فاخر، از عناصر طبیعی محلی مانند آب، باد، برف و یخبندان شدید زمستانه الهام گرفته است و نمای ساختمان ها، در عین مینیمال بودن و سادگی، ولی بسیار پیچیده و ویژه هستند.



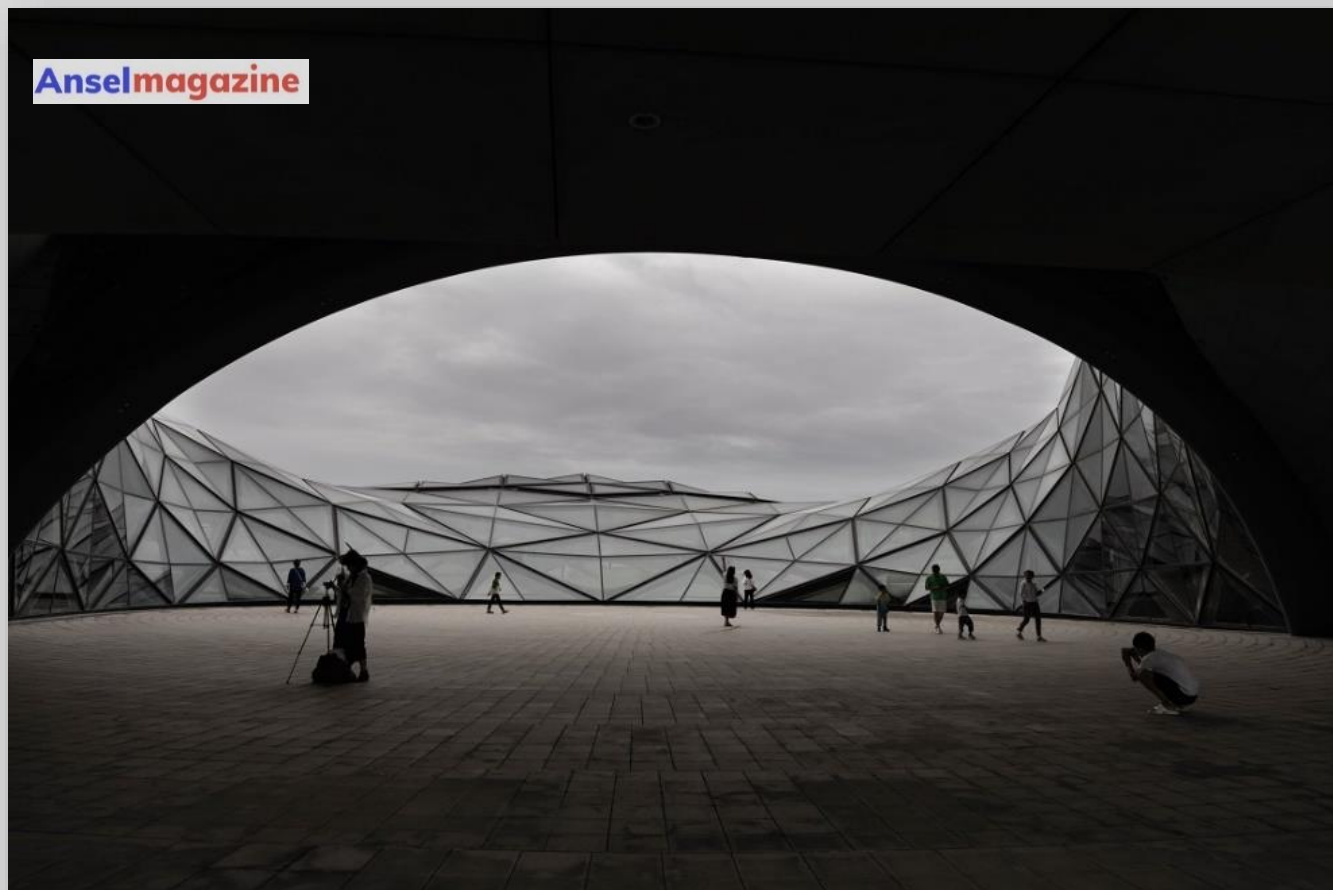
نمای خانه تئاتر شهر هاربین، دارای روحی سرکش و رام نشده است که گویی از دل دشت ها و جلگه های وسیع این منطقه بیرون آمده و تداعی کننده آب روانی است که باد آن را در خود می پیچاند.

این بنا، هم هویت محلی را در خود دارد و هم نمادی واقعاً فرهنگی و هنری برای یک شهر است. نمونه موافقی از ادغام انسان، هنر و زندگی شهری با هم.

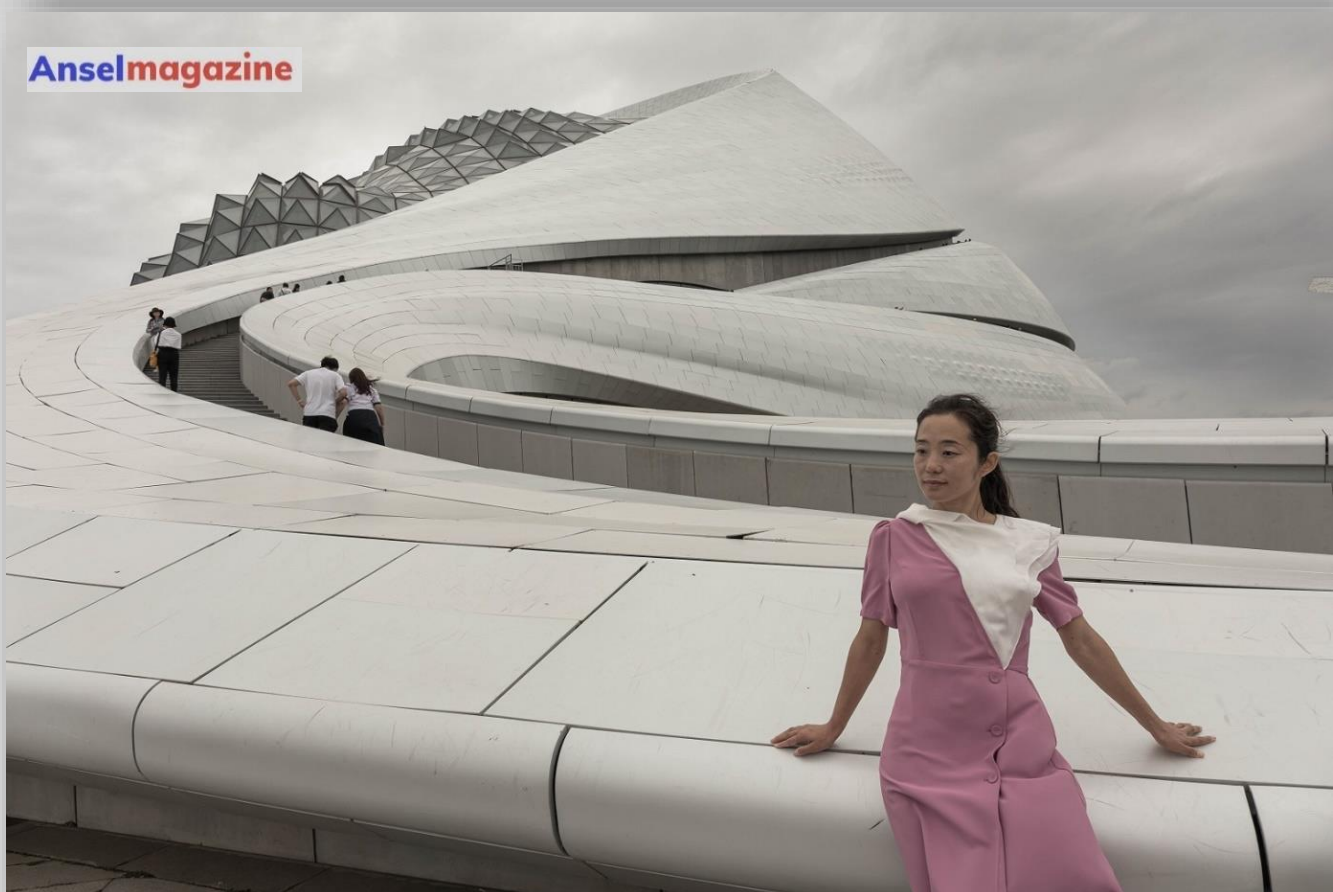
نمای مارپیچ بیرونی، پلکانی با ورقه های نرم و روشن آلومینیومی در کنارش است که به به رهگذرها اجازه می دهد از ارتفاع، منظره جزیره فرهنگی هاربین را نظاره کنند.

این مسیر پر پیچ و خم، در نهایت به یک میدان عمومی وسیع در بالاترین نقطه منتهی می شود که زیبایی آن در طول زمستان در میان سفیدی برف، به اوج خود می رسد.





Anselmagazine



Anselmagazine



دریاچه گل‌های لوتوس، قسمت دیگری از این پروژه ۷۹۰۰۰ متر مربعی است که به آمیختگی بنا با طبیعت و هویت منطقه کمک می‌کند.

بازدیدکنندگان با استفاده از یک پل عابرو که از سرتاسر دریاچه می‌گذرد از یک سوی خانه اپرا به محوطه دریاچه گل‌های لوتوس وارد می‌شوند و با عبور از آن، در سویی دیگر دوباره به بنا و ساختمان‌های مجموعه فرهنگی وارد می‌شوند.





نمای داخلی بگونه ای است که بازدیدکننده خود را عنصری در میان یک اثر هنری حس می کند. نورگیرهای شیشه ای شفاف و نمای کاملاً منحنی شکل به خوبی درون ساختمان را به بیرون از آن متصل می کند.

میزان نورگیرها و اهرام شیشه ای به اندازه ای هست که نور طبیعی فضای داخلی را روشن و مینیمالیسم و سادگی محیط را حفظ می کنند.

دیوارها و جداره ها، طرح چوب روشن کهنه شده را دارند که با ترکیب و رنگ صندلی ها کاملاً هارمونی دارند.

در کل فضای داخلی کاملاً آگوستیک، مینیمال و مرتبط و متصل با نما و فضای بیرونی است.

عکاسی و تهیه گزارش: رضا تجویدی



هاریین

کلیسای ارتدکس صوفیای مقدس، در سال ۱۹۰۷ میلادی، توسط روسها که در آن زمان مناطق شمالی چین را تحت اشغال خود داشتند، ساخته شد. این کلیسا برای ساکنان منطقه از جمله نظامیان روس و خانواده هایشان، در مرکز شهر هاریین بنا نهاده شد. این ساختمان تاریخی، اکنون یکی از زیباترین و مشهورترین بناها در کشور چین به حساب می آید. کلیسای صوفیا، از سال ۱۹۹۷ میلادی با تغییر کاربری به یک موزه فرهنگی در قلب شهر هاریین، بدل شده است.

عکس: رضا تجویدی



شاو چن

دیدار با یک عکاس پرتره که در محوطه خانه اپرای هاربین مشغول عکاسی بود.

گفتگوی اختصاصی مجله انسل با یک عکاس



جزیره فرهنگی شهر هاربین و بنای خانه اپرا در آن، چنان چشم انداز محسورکننده ای دارد که هر بازدیدکننده غریبه و آشنایی را وسوسه می کند تا عکسی در این فضا داشته باشد. چه گردشگر خارجی باشد که تا پیش از این فقط درباره کلیسای صوفیای مقدس و خیابان سنگ فرش جونگ یانگ هاربین شنیده بود و حالا با چنین بنای زیبا و مدرنی هم در این شهر روبرو شده و چه یک ساکن محلی شهر باشد که به دنبال یک جای ایده آل است تا عکس های نامزدی یا عروسی خود را در آن بگیرد.

در همین محیط است که با "شاو چن" آشنا می شوم. او همراه با زوج مشتری خود که یک تازه عروس و داماد هستند، یکراست از محوطه پارکینگ وارد خانه اپرا می شود و شروع به عکس گرفتن می کند. مدتی از فاصله دور زیر نظرش دارم و چند عکسی هم از او در حال عکاسی کردن می گیرم، تا بالاخره برای مدتی کارش را متوقف می کند تا استراحتی کند. پیش او می روم، خودم و ماهنامه عکاسی انسل را معرفی می کنم و بعد در همان مدت زمان کوتاه استراحتش، گفتگویمان دنبال می شود:



می شود خودت را معرفی کنی؟

می توانید من را شاو چن صدا کنید.
۲۹ سال سن دارم و به مدت سیزده
سال است که عکاسی می کنم.

چه شد که عکاس شدید؟

این شغل خانوادگی ما بود. من هم
از همان ابتدا به آن علاقه مند شدم.
همیشه خودم را در حالی که دوربین
عکاسی به دست دارم و عکاسی
می کنم، مجسم می کردم و این
تصویری بسیار خوشایند از خودم در

ذهنم بود. در نوجوانی دیگر عکاسی برایم تبدیل به یک عشق و علاقه شده بود و در سن جوانی به عنوان یک عکاس مشغول
به کار شدم.

حالا عکاسی را بیشتر یک علاقه می بینید یا یک شغل؟

هر دو بطور همزمان. ولی اول علاقه مندی بود و بعد بدل به شغل برایم شد. به نظرم من هیچ تداخلی بین عشق و علاقه به
عکاسی و اینکه حرفه و منبع درآمد باشد، وجود ندارد.

می خواهم بدانم که چطور تکنیک های عکاسی را فراگرفته اید، آیا دوره های خاصی را گذرانده اید؟

راستش برای عکاسی، کارگاه یا دوره آموزشی خاصی نگذراندم، ولی کسانی بوده اند که نزد آنها این تکنیکها را بصورت حرفه ای
آموخته ام.

وقتی توی خیابان های شهر هاربین قدم می زدم با پدیده شگفت انگیزی روبرو شدم، هر گوشه ای از شهر عکاسانی را می دیدم
که در حال عکاسی از مشتریان خود بودند. چه چیزی سبب شده که مردم در شهر هاربین اینقدر به دنبال استخدام یک عکاس
حرفه ای و گرفتن عکس های خوب باشند؟

در هاربین تعداد خیلی زیادی عکاس وجود دارد. بعضی از روی علاقه مندی جذب عکاسی شده اند و بعضی به آن به چشم یک
منبع درآمد نگاه می کنند. اینطور است که تعداد عکاسان در اینجا زیاد است.

نه، منظور من مردمی هست که به دنبال گرفتن عکس خوب با استخدام عکاس هستند، دلیل این استقبال آنها چیست؟

خوب هم بحث باب شدن شبکه های اجتماعی و اشتراک گذاشتن عکس در آنها هست و هم اینکه تابستان فصل سفر و بازدید
از مناطق شمالی چین مثل شهر هاربین است، چون در زمستان در اینجا هوا بسیار سرد و یخبندان است.



پس خیلی از اینها مسافرانی هستند که از شهرهای دیگر چین برای بازدید به هاربین آمده اند و می خواهند عکس خوبی هم در اینجا بگیرند.

بله، دقیقا همینطور است.

به کدام ژانر در عکاسی بیشتر علاقه مند هستید؟

به طور قطع به عکاسی پرتره.

می شود عکاسی را نام ببرید که از سبک و فرم پرتره هایش خوشتان می آید و کارش برایتان تحسین برانگیز است؟

یک عکاس چینی هست به اسم "لی شی" که واقعا کارهای عکاسی، خصوصا پرتره هایش را دوست دارم.

آیا در شهر هاربین، انجمن عکاسی و محلی که عکاسان گرد هم بیایند و یا دستورالعمل هایی را تهیه و تنظیم کنند، وجود دارد؟

در هاربین عکاسان در کل به سه دسته تقسیم می شوند. یک دسته، عضو انجمن عکاسان شهر هستند. دسته دیگر، عکاسان مستقل هستند که برای خودشان بصورت فریلنسری کار می کنند و دسته سوم، عکاسانی هستند که استودیو عکاسی دارند و عکس های استودیو می گیرند.

در کشور چین پلتفرم هایی مثل اینستاگرام برای اشتراک گذاری عکس اصلا متداول نیست، معمولا عکاسان چینی در کجا عکس های خود را به نمایش می گذارند؟

راه های زیادی برای اشتراک گذاری عکس در اینجا هست. برای مثال گالری آنلاین بلک لایت، یا یک شبکه اجتماعی به اسم شیائو هونگ شو، همینطور مجموعه ای از دوستان شبکه هایی در اپلیکیشن هایی مثل وی چت برای اشتراک گذاری عکس راه می اندازند.

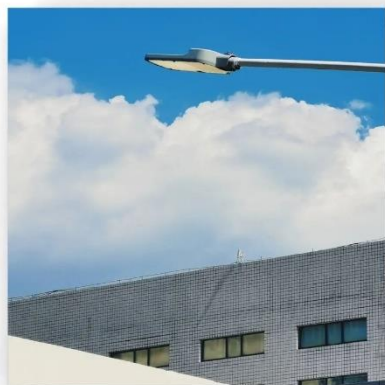
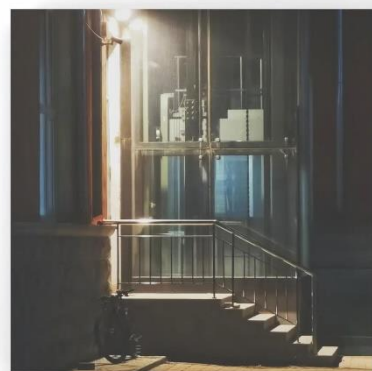
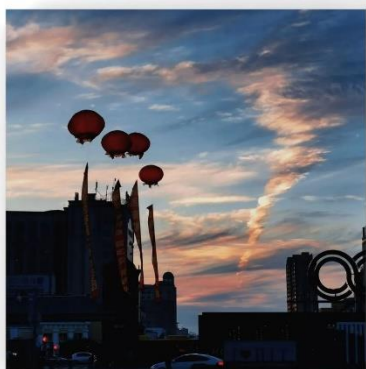
آیا مجله ای اختصاصی برای عکاسی در اینجا وجود دارد؟

خیر، شاید هم باشد و من اطلاعی نداشته باشم.

تشکر از وقتی که برای گفتگو گذاشتید.

ظهور یک فلسفه و نگرش ذهنی درون عکس هایی که با گوشی موبایل گرفته می شود.

دیدار با ژنچی وانگ در شهر هاربین

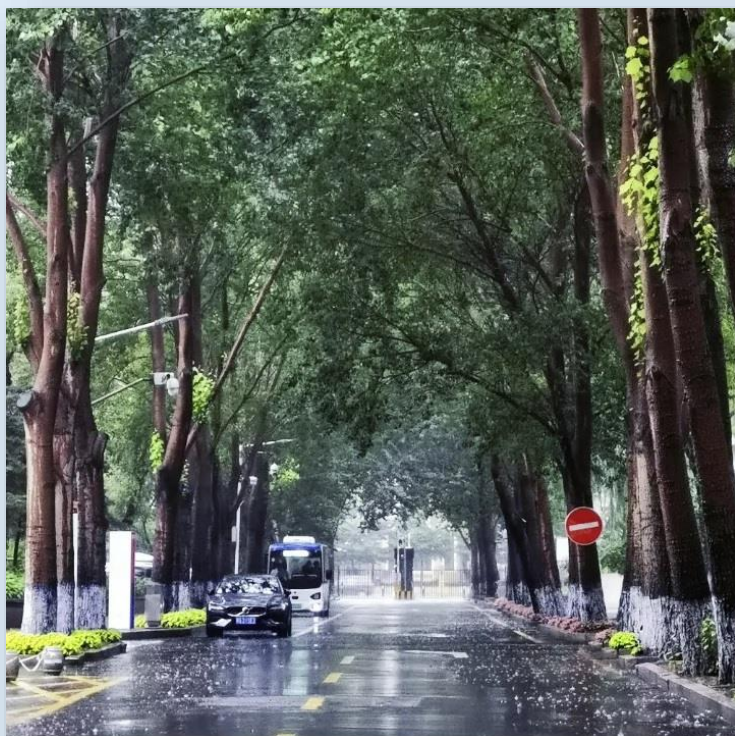


@Zhenchi_wang

شاید فکر دیگری کنید، ولی در واقع من این عکس ها را تنها با گوشی موبایل ساده خودم گرفته ام. درست همان زمان هایی که درگیر امورات روزمره زندگی خودم هستم. آخر من دانشجوی دکترا هستم و بیشتر اوقات باید مسیر خوابگاه تا آزمایشگاه را پیاده راه بروم. گاهی هم برای رسیدن سریع قرار، تا کافه تریا قدم می زنم. در بین راه، چیزهایی می بینم که دوست دارم توسط عکاسی آنها را برای همیشه ثبت کنم. واقعا چه چیزی در ذات این اشیا و ترکیب آنها با هم وجود دارد که آنها را اینچنین در چشمان من جذاب می کند؟ در اصل، آنها بخش هایی فریبنده از جهان اطراف من هستند که به ناگاه و غافل گیر کننده جلوی چشمانم ظاهر می شوند. انگار که آنها با زبان بی زبانی، مرا صدا می کنند و می گویند به ما نگاه کن و به تصویری که خلق کرده ایم، توجه داشته باش. نمی دانم چند نفر دیگری که از کنار این صحنه ها عبور می کنند، صدای آنها را شنیده اند و برای لحظه ای نگاه خود را به زیبایی و مفهومی که خلق کرده اند، دوخته اند. ولی من خوشحالم که توانسته ام آنها را کشف کنم و با عکاسی، جاودانه اشان کنم.

آنچه من در عکاسی به آن توجه زیادی می کنم، ایستادن و چشم دوختن به صحنه ای است که قرار است آن را عکاسی کنم. بعد ترکیب بندی و زاویه ای که برای عکاسی نیاز دارم را پیدا می کنم و در نهایت تمام تلاشم را می کنم تا همان احساسی که از دیدن صحنه به من دست داده را به درون عکسم منتقل کنم. با وجود تمام گرفتاری ها و مشغله روزانه ای که دارم، ولی هرگاه به چنین صحنه هایی که چه بسا زودگذر و فانی هستند روبرو می شوم، برای ثبت آنها وقت می گذارم.

در حال حاضر من دانشجوی دکترا در دانشگاه علوم و تکنولوژی هاربین هستم. هنر برای من تنها یک سفر درونی به دنیایی است که به آن علاقه دارم. هر چند که در چند مسابقه عکاسی هم شرکت کرده ام و یکی از عکس هایم، مقام سوم را کسب کرده. در تمام این سالهایی که عکاسیم، همیشه یک فلسفه مشخص را دنبال کرده ام و آن ثبت لحظات و صحنه های نابی است که در مسیر زندگی روزمره در مقابل چشمانمان ظاهر می شوند و ما را صدا می زند که: های، لطفا به ما توجه کنید و ما را ببینید.



داستان و عکس (قسمت پنجم)

ماجرای زندگی پر رمز و راز گربه های خیابانی دبی

نوشته: بشایر عارف

ترجمه : رضا تجویدی



در دبی، جایی که معروف است یک شبه از دل صحرا، سر برآورده است، دنیایی پر از قصه و ماجرا از گربه هایی وجود دارد که بیشترشان از نژادی محلی، معروف به میوی عربی هستند؛ و حالا وقتش است که با هم، چیزهای بیشتری درباره زندگی این گربه های محلی بدانیم.

میوهای عربی، از قدیم ساکن این سرزمین بوده اند. حتی خیلی قبل تر از اینکه سر و کله آدمها اینجا پیدا شود. از وقتی که دبی تنها زمینی پوشیده از شن و ماسه بود، آنها همینجا بوده اند. سالها بعد، آدمها به این منطقه هجوم آوردند ولی گربه ها با وجود اشغال قلمروشان، دبی را ترک نکردند؛ بلکه سعی کردند خودشان را با شرایط جدید وفق دهند.

*قسمت های یکم تا چهارم در شماره های پیشین ماهنامه انسل منتشر شده است.

قسمت پنجم



در تمام طول مسیر، تیزچنگال بدون آنکه حرفی بزند جلوی بقیه در حرکت بود. دم سیاه کنارش راه می رفت و دم جنبان در پشت سرش. سبیل هایش صاف و به دو سمت صورتش ایستاده بود. هیچ روزی به بدی این روزها برایش نبود. نه فقط بخاطر اینکه به شدت گرسنه و خسته بود، بلکه تیزچنگال مدام با او جر و بحث می کرد و بدجور روی اعصابش راه می رفت. مدام او را ترسو خطاب می کرد. اصلا رفتار خوشایندی به نظر نمی رسید. او که تقصیری نداشت، فقط تمام فکر و ذهنش سلامتی و امنیت آنها بود.

دم جنبان از جاده هایی که ماشین های قاتل توییش با سرعت رفت و آمد داشتند، متنفر بود.

هوا داشت کم کم گرگ و میش می شد. دود و بخاری که از خروجی کولرها بیرون می زد، هوا را گرم تر کرده بود و همین باعث شده بود پنجه هایش عرق کند.

آدمها سرشان را از پنجره ماشین ها بیرون می آوردند و به هم بد و بیراه می گفتند. او با خود فکر می کرد که آدمهایی که توی جاده و توی ماشین ها هستند از همه آدمهایی که تا به حال دیده است، بدترند.

دم جنبان آهسته زمزمه کرد: چرا این آدمها همه وقت، اینقدر عصبانی هستند؟

تیزچنگال با ژستی حکیمانه گفت: اونها درگیر رقابت هستند، هر کدامشون داره تلاش می کنه جلوتر از بقیه باشه.

بعد از گذشت یک ساعت یا کمی بیشتر، دیگر گربه ها از راه رفتن خسته شده بودند.

دم سیاه در حالی که پنجه هایش از خستگی روی زمین کشیده می شد، غرغر کنان گفت: چقدر دیگه از راه مونده؟

آنها توی جاده کنار یک تابلو رسیده بودند، دم سیاه شروع کرد بدنش را به پایه های تابلو مالیدن. تیزچنگال سرش را بالا گرفت و به تابلو نگاهی انداخت. پارک درست مقابل آنها آنسوی جاده بود. او نگاهی به ماشین های قاتل انداخت که گاهی می ایستادند و بعد شروع به حرکت می کردند. فکری به ذهنش رسید. می دانست که احتمالا آن دو به این ایده اش چندان علاقه ای نشان نخواهند داد.

تیزچنگال گفت: ما تقریبا به پارک رسیدیم، ولی یک کار کوچیکی هست که باید قبلش انجامش بدیم.

بعد ادامه داد و گفت: ما باید خیلی سریع و چابک این کارو انجام بدیم.

دم جنبان می دانست که کار کوچکی که تیزچنگال حرفش را می زند، احتمالا آنقدر خطرناک است که ممکن است جانشان را بگیرد، از ترس مدام دمش را تکان می داد و در همان حال گفت: چه کاری باید بکنیم تیزچنگال؟

تیزچنگال سرش را به سمت چراغ راهنمایی برگرداند و گفت: وقتی ماشین ها پشت این چراغ ایستادند، ما باید با سرعت بدویم آن سوی جاده، باشه؟



دم سیاه و دم جنبان نگاهی به هم انداختند و آب دهانشان را قورت دادند. دم جنبان با ترس و صدای لرزان گفت: باشه.

آنقدر دم بیچاره اش را تند و تند تکان می داد که تیزچنگال وقتی به آن نگاه کرد، سرگیجه گرفت. توی جاده همه جور ماشین قاتلی به چشم می خورد. دم جنبان تا حالا این همه ماشین قاتل را یکجا ندیده بود. آخر چطور می توانستند از میان آنها عبور کنند؟

همینکه دم جنبان آمد تا چیزی که به ذهنش رسیده است را بگوید، یکدفعه تیزچنگال فریاد زد: حالا، بدوید!

و آنها دویدند. با آخرین سرعتی که پنجه هایشان یاری شان می کرد. بدنشان مثل کمان، خمیده بود و پاهای عقب شان تا حد ممکن رو به جلو کشیده شده بود و قلب هایشان توی سینه هایشان با شدت می تپید.

آنها از میان انبوه ماشین های قاتلی که برای لحظاتی پشت چراغ قرمز توقف کرده بودند، می گذشتند. آنقدر دویدند و دویدند تا بالاخره خود را روی پیاده روی مقابل پارک دیدند.

برای دقایقی همانجا نفس نفس زنان نشستند.

تیزچنگال گفت: شانس آوردیم که ماشین ها شروع به حرکت نکردن!

بعد زیرچشمی نگاهی به دم جنبان انداخت و سعی کرد جلوی خنده اش را بگیرد.

دم جنبان به لکنت زبان افتاده بود: وح وح وح شت نانا ناک بود.

از ترس چشم هایش را به پای دیوار دوخته بود. طاقت نداشت برگردد و به جاده و جایی که از آن عبور کرده بودند، نگاه کند.

هر دوی آنها با نگرانی به دم سیاه نگاه کردند.

دم سیاه با چشمانی گرد شده و سفید و با صدایی که بلندتر از حالت معمولش بود گفت: دقیقا اینکه شانس آوردیم مثل یک معجزه می مونه.

درباره نویسنده داستان: بشایر عارف نویسنده اماراتی است او با خانواده اش و گربه خانگی مورد علاقه اش به

اسم مهتاب در شهر دبی زندگی می کند.

@bashayer.arif

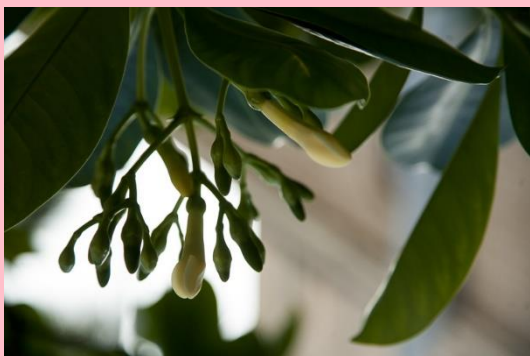


آنچه باید هنگام نقد نویسی برای عکس بدانیم!



جورجیا اوکیف و ارویل کاکس، اثری از انسل آدامز

- به جای عبارت، "من این عکس را دوست دارم/ندارم برای اینکه..." از عبارت "این عکس خوب به نظر می آید/نمی آید برای اینکه..." استفاده کنید.
- به اینکه آیا سوژه مورد نظر عکاس در عکس به خوبی برای مخاطب قابل تشخیص هست یا نه، توجه کنید.
- آیا در دل عکس، داستانی نهفته است یا نه؟
- به نور و سایه و تاریکی در عکس توجه کنید و ببینید که آیا با کلیت عکس و احساسی که قرار است به مخاطب منتقل شود، همخوانی دارد یا نه؟
- گوشه ها و حاشیه های عکس را بطور کامل بررسی کنید و از آن بی توجه نگذرید.
- عکس را وارونه کنید و به آن نگاه کنید. در این روش یک تکنیک بصری نهفته است، وقتی به عکسی وارونه نگاه می کنید، چشم به جای ارزیابی کلیت عکس، خیلی سریع، مهمترین و برجسته ترین قسمت آن را پیدا کرده و روی آن متمرکز می شود. با این روش می توانید این بخش از عکس را پیدا کنید.



نقش و اهمیت پشت زمینه در عکاسی



دیوارنگاره ها همیشه عنصر مناسبی برای عکاسی هستند. چرایی آن، در اهمیت و کارکرد پشت زمینه در قاب بندی عکس نهفته است.

عکس، یک روز سرد زمستانی در شهر هانگژو در چین است. منطقه تاریخی در مرکز شهر، جایی در نزدیکی دریاچه غربی. دیوارنگاره، یک طبیب را نشان می دهد. طرح، آمیخته ای از نقاشی سنتی و خوشنویسی چینی است و در چهار گوشه آن، چهار اصل مهم در طب سنتی چینی هنگام معاینه بیمار نوشته شده، "ونگ"، "ون"، "تینگ" و "چی" به معنی "دیدن"، "شنیدن"، "پرسیدن" و "نبض گرفتن"، ولی ما تنها سه نگاشته را می بینیم و نوشته چهارم در پشت سوژه عکس ناپیدا شده است.

آدم های زیادی از مقابل دیوارنگاره عبور می کنند، ولی من در فاصله مناسبی که هم لنز ۳۵ میلی متری، کادر را در بر بگیرد و هم رفتار آدم ها، بدون آنکه متوجه دوربین شوند، طبیعی باقی بماند، مترصد ابستاده ام تا چیزی بیش از یک عبور معمولی را ثبت کنم. بالاخره سوژه ای متفاوت تر از معمول مقابل دوربین ظاهر می شود. سه نسل از جامعه چین در یک قاب در حالی که آخرین نسل بر دوش دیگران سوار است. نسلی قدیمی که بخشی از تاریخ معاصر چین را پشت سر نهاده و دوره ای پر از فقر و قحطی را به چشم دیده است دیگری مادری از نسل میانه است؛ هم فقر و مصیبت ها را دیده و هم دوره رشد و رفاه چین را. آخری، نسل جدید است. عموماً تک فرزند بخاطر سیاست سختگیرانه زاد و ولد در چین. او وارث رفاه و رونقی است که به وجود آمدنش بر دوش سخت کوشی و صبر و تحمل نسل های پیشین بوده است.

عکس و متن، برگرفته از کتاب "شرحی بر نورگاره ها" اثر رضا تجویدی

تصویر

دختر جوان چینی در دوره رواج تریاک در این کشور



مرور عکس های قدیمی

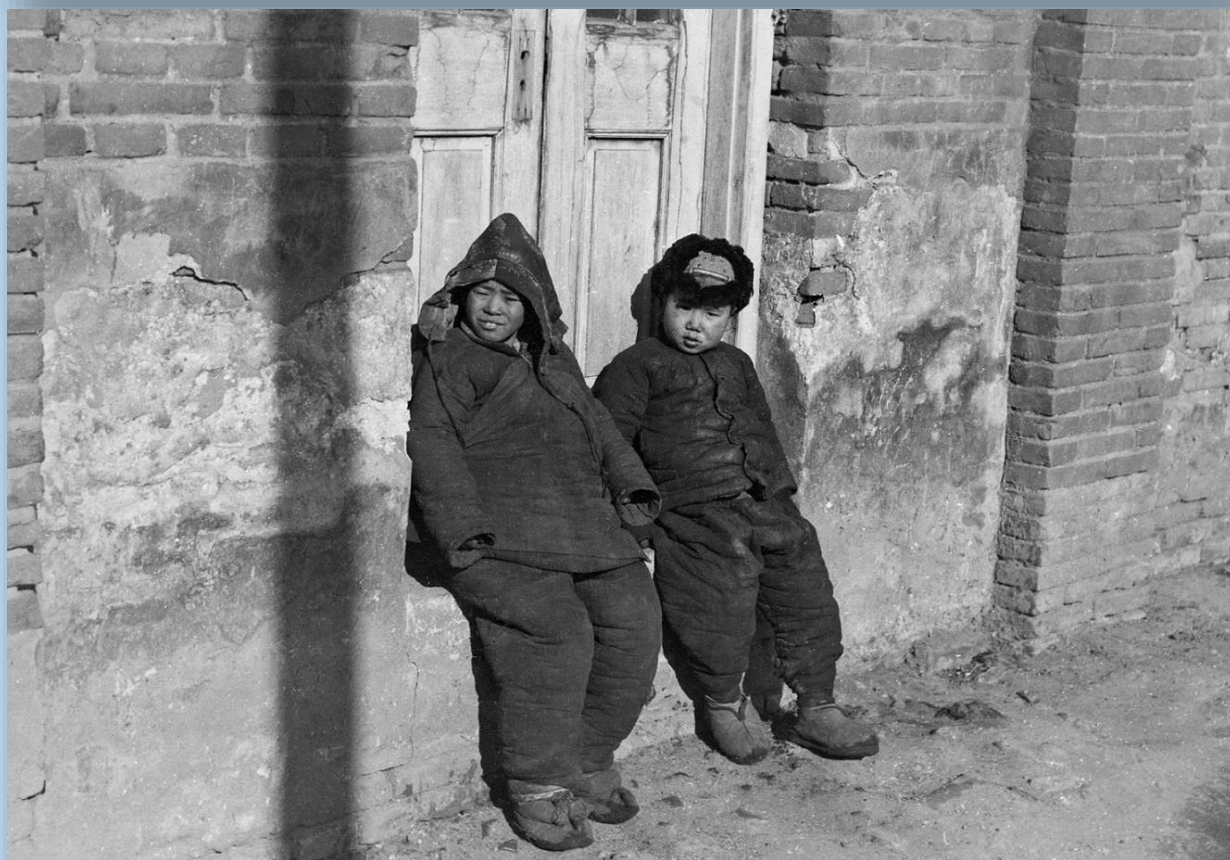
شمال و شرق چین در اوایل قرن بیستم در اشغال روس ها و ژاپنی ها



شهر هاربین اوایل قرن بیستم میلادی



این عکس در سال 1933 میلادی در شهر چانگ چوَنگ در نزدیکی هاربین گرفته شده، در آن سالهای بخشی از مردم چین در رفاه و خوشبختی از امکانات زندگی همچون لباس های اعیانی لذت می بردند.



در همان سالها بخش زیادی از مردم چین در فقر مطلق زندگی می کردند.



در اواخر دوره امپراطوری چینگ در چین، تریاک کشی بطور گسترده ای در این کشور رواج پیدا کرده بود و زندگی مردم چه پیر و چه جوان، تحت تاثیر آن قرار گرفته بود. این عکس در سال 1935 میلادی توسط یک عکاس ژاپنی از آن دوره تاریخی در چین گرفته شده است.



دختران در لباس های مد روز در شهر هاربین زمانی که قسمتی از کلونی ژاپن محسوب می شد - سال 1934



یک زوج روس در شهر هاربین در دهه اول قرن بیستم زمانی
که این منطقه تحت اشغال روسها بود.



زنان روسی در شهر هاربین در اوایل دهه 1900 در حال دستفروشی، با نوشته ای که می گوید لطفا بخاطر این بچه به ما کمک کنید.



عکس ویژه



عکس: خود من در این مکان، چارلی وتزل، برنده مقام دوم در مسابقه عکاسی لنزکالچر

فراخوان ارسال آثار

ماهنامه تخصصی هنر عکاسی انسل از دریافت مطلب از سوی مخاطبان گرامی، چه تصویری در قالب عکس یا تصویرگری و چه نوشتاری در قالب متن های آموزشی و مطالب مرتبط با هنر عکاسی، مقاله، نقد عکس و داستان (مرتبط با عکس و عکاسی) استقبال می کند.

با ما از راه های زیر در ارتباط باشید:

Website: WWW.ANSELMAGAZINE.COM

Email: Info@anselmagazine.com

Instagram: [@Anselmagazine](https://www.instagram.com/Anselmagazine)

Telegram: [@anselmagazine](https://www.t.me/anselmagazine)



Anselmagazine

عضویت برای دریافت مجله در پست الکترونیک

نام:

نام خانوادگی:

زمینه تخصصی هنری یا گرایش عکاسی:

پست الکترونیک:

ارسال شود به:

info@anselmagazine.com





Anselmagazine



23 08 2023 01 07